

این مثل باشد که تا گردون رود دیوار کج
گر ز غفلت خشت اول را نهد معمار کج
کارها سامان نگیرد تا بود خرچنگ وار
راه کج، کردار کج، گفتار کج، پندار کج
هیچ باری گر نشد گمراه، کس در راه راست
هیچ باری هم بمنزل نارسیدی بار کج



۲

در آستانه
قرن
بیست و یکم
مائیم و یک
معمار باشی
ناشی!

خبر» روزگارانو در این روزها شکوفاتر از همیشه به پیشواز آینده ای میروند که در افق آن، خورشید بخت ایران، دیر یا زود، طلوع خواهد کرد...
و با این طلوع، سرفراز آنهایی خواهند بود که می دانند «عبادت بجز خدمت خلق نیست». نه آنهایی که در این روزهای مشقت بار بدنبال «تسبیح و سجاده و دلق» می دوند و بخاطر اجر دنیوی پا برسر اصول می گذارند و برای دروغ پردازیها و ریاکاریها و شیادیها یقه می درانند!

«سردیبر»

مژده

از: ژاله اصفهانی

ز ابر تیره باران خواهد آمد
چه باران، آبشاران خواهد آمد

بشوید خارو خس را از در و دشت
صفای سبزه زاران خواهد آمد

به کام تشنگان بر تکاپو
زلال چشمه ساران خواهد آمد

مزن فریاد، ای مرغ شباهنگ
چه سود از نغمه گر دل را کند تنگ؟
سحرگاهان به گلزار شکوفان
پرستوی بهاران خواهد آمد

کبوتر، نامه زرین به منقار
ز اوج کوهساران خواهد آمد
غم هجران نماند جاودانه
نوید وصل باران خواهد آمد

ز پای تپه تقدیر برخیز
فراز قله با تندر درآمیز
که بر این دشت خواب آلود خاموش
هیاهوی سواران خواهد آمد

تلاش آنکه در ره جان فدا کرد
بیاد رهسپاران خواهد آمد

نخستین پرتو صبح طلایی
سوی شب زنده داران خواهد آمد

زمان، شور و تکاپو آفرین است
هزاران راه نو، روی زمین است
و قرن ابستن فتح نوین است
چه خرم روزگاران خواهد آمد.